

نمی‌کند اما رسیدن به جایگاهی که خود، مشوق باشد و اساتید را تشویق کند، اهمیت بیشتری برای این جشنواره خواهد داشت.

### آزاداندیشی؛ مأموریت ویژه جشنواره فارابی

آزاداندیشی بستگی به شاخص‌ها، اهداف، سیاستگذاری‌ها و روش‌ها دارد. اگر در شاخص‌ها به آزاداندیشی توجه شود و شجاعت مواجهه با مسأله و رفتن به سمت مسائل پنهان و تحقیق وجود داشته باشد و عدم خودسانسوری یک شاخص باشد و در شیوه‌ها و در ارزیابی مطلقاً حصرگرایی راه پیدا نکند به «آزاداندیشی» کمک می‌کند.

آزاداندیشی نباید به این معنی باشد که هر کس هر چیزی می‌خواهد بگوید. پژوهش‌های انجام شده در کشور با «تعهد ملی» ما ارتباط دارد. پژوهش‌ها باید به پیشرفت ملی، سرآمدی، تعالی و رفاه عمومی مردم و به عناصر هویتی و تمدنی ما کمک کند.

اگر کسی آزاداندیشی را به معنی رهایی از عناصر هویت ملی و تعهدی بداند، به نظرم نمی‌توان چنین آزاداندیشی را دارای ارزش علمی، اخلاقی و فضیلت دانست. اما اگر آزاداندیشی را به درستی معنا کنیم، جشنواره فارابی به دلیل جایگاهی که دارد می‌تواند به این آزاداندیشی توجه کند و آن را ارتقا دهد و این امر به سیاستگذاری‌های جشنواره، شاخص‌ها و شیوه‌های آن بستگی دارد.

### توسعه ارتباط دانشمندان ایرانی و خارجی

توسعه ارتباط نخبگان و اندیشمندان داخلی با خارجی از راهبردهای بسیار مهم است.

ابتدا باید چنین راهبردی در مأموریت جشنواره فارابی ایجاد شود و به دنبال آن پژوهش‌هایی که در تیم‌های مرکب از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی انجام می‌شود، در نظر گرفته شود. مثلاً در حوزه علوم انسانی تیم‌هایی مرکب از دانشمندان دانشگاه‌های ایرانی و خارجی در کشورهای صنعتی و عربی وجود دارد و این نوع از پژوهش‌ها انجام می‌شود.

اگر راهبرد ما این باشد که جشنواره فارابی این عامل‌ها را تسهیل کند، می‌توانیم در شاخص‌ها این موضوع را در نظر بگیریم؛ یعنی مطالعات مرکب از گروه‌های ایرانی و خارجی را به عنوان یک امتیاز در نظر بگیریم. حتی در بخش حمایت‌های مادی و معنوی، وقتی یک اثر برجسته یا یک شخصیتی انتخاب می‌شود، به دلیل جایگاه خوبی که دارد، می‌تواند از مطالعات ترکیبی با سایر منتخبان بهره‌مند شود.

### جشنواره فارابی در راستای دیپلماسی علمی

قاعدتاً افراد زیادی هستند که توان گفت‌وگوی مؤثر و علمی را با دانشمندان بیرون از مرز دارند و گاهی می‌بینیم که در علوم انسانی حتی نه از طریق دانشگاه‌های داخل، بلکه از طریق دانشگاه و مراکز خارجی کتاب‌های حوزه علوم انسانی ما به زبان‌های مختلف مثل عربی و انگلیسی ترجمه می‌شود.

این نشان می‌دهد که دانشمندان ایرانی در بسیاری از زمینه‌ها سخن برای گفتن دارند و می‌توانند وارد «گفت‌وگوی معرفتی» شوند و جشنواره فارابی می‌تواند از طریق جهت دادن به حمایت‌های مادی و معنوی، به این امر کمک بیشتری کند. یعنی به گفت‌وگوی علمی این دانشمندان با همکاران بیرون از کشور کمک کند و مشاوره آنان را در کارها داشته باشد. برخی فعالیت‌ها در علوم انسانی بین فرهنگی است و کاملاً به صورت بین فرهنگی رخ می‌دهد.

این پژوهش‌ها باید امتیازهای خاصی داشته باشند و به عنوان حمایت مادی و فرهنگی منتخبان حمایت شوند.

چندین سال پیش گروهی متشکل از دانشمندان تنسی آمریکا، آمستردام هلند، دانشگاه تهران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در باب «تأثیر و پیامد روان‌شناختی دین و دینداری» کار می‌کردند. در این زمینه مقالات بین‌المللی خوبی هم منتشر شد و اساساً یک رهاورد خیلی مهم را در این مورد بدست آوردند.

ما در حوزه‌های مختلف نیاز به «مطالعات بین فرهنگی» داریم و مطالعات بین فرهنگی نیاز به مطالعه گروهی دارد که مرکب از فرهنگ‌های مختلف باشد. حاصل سخن من این است که ارزیابی چنین مطالعاتی در جشنواره فارابی باید دارای امتیازی ویژه‌ای باشد. آن طرف هم کسانی

که انتخاب می‌شوند، می‌توانند به عنوان بخشی از جوایز، با دانشمندان مغرب زمین ارتباط و تعامل راحت‌تری داشته باشند.

### پاسخ به نیازهای کشور در قالب تحقیقات جشنواره فارابی

علم برای علم نیست بلکه برای حل مشکلات جدی جامعه است. جامعه ما در حوزه علوم انسانی مشکلات عدیده‌ای دارد که نیازمند تحقیقات وسیع دانشمندان است. اگر سخنرانی روز اول عید نوروز مقام معظم رهبری را یک بار دیگر مرور کنیم، بخش اعظم سخنان ایشان، مطالبه از دانشمندان و پژوهشگران است که به درد اخلاق اجتماعی جامعه برسند و فکری برای مهار تورم و تولید ملی کنند. این مسائل غالباً نیاز به یک سری مطالعات بنیانی دارند؛ مطالعاتی که بتواند نیازهای جامعه را رفع کند.

شناخت و رفع نیازهای مبرم جامعه ما باید یکی از راهبردهای جشنواره فارابی باشد تا بتواند در این جهت سیاستگذاری کند. اگر سؤال بپرسیم که آیا تاکنون چنین بوده است، این پاسخ یک مطالعه جدی می‌خواهد. باید واقعاً دید که نسبت این دو چگونه بوده است؟ جشنواره فارابی باید معطوف به نیازهای کشور باشد. پژوهش‌هایی که در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه بوده است را باید بیشتر در مرکز توجه قرار داد.

علاوه بر اینکه در جشنواره فارابی باید اهمیت زیادی به ارتباط علوم انسانی با صنعت داد، اگر یک دانشمندی در حوزه الهیات و علوم انسانی مورد اعتماد صنعت باشد و صنعت به خاطر او با دانشگاهش قرارداد ببندد و از خدمات مشاوره‌ای و پژوهشی او استفاده کند، باید حمایت شود. چون درگیر چنین پژوهش‌هایی بوده‌ام و تجربه این را دارم که این پژوهش‌ها به مقاله و کتاب نمی‌انجامد اما به رفع مشکلات اساسی کشور می‌انجامد. در بحث مصرف‌گرایی و الگوهای مصرف، ارتباط اجتماعی، اخلاق سازمانی، رشد اخلاقی، نظریه‌های مربوط به رشد اخلاقی، مسائل فرهنگی، فرهنگ عمومی و سازمان و فرهنگ خانواده نیازمند تحقیق و پژوهش هستیم و وقتی جشنواره‌ای در این سطح داریم باید به گونه‌ای باشد که معطوف به نیازها باشد تا دانشمندان تشویق شوند و به سراغ مسائل عینی بروند. جشنواره فارابی می‌تواند و باید سهم بزرگی در معطوف کردن پژوهش‌ها به رفع نیازهای ملی و نیازهای جامعه داشته باشد. بنابراین باید این نوع هدف‌گذاری را انجام دهیم و براساس آن به سراغ شاخص‌ها برویم.

### تحول علوم انسانی با کمک دانشگاه‌ها

یک ارتباط دو جانبه باید بین جشنواره فارابی و دانشگاه‌ها و مراکز علمی وجود داشته باشد. دانشگاه‌ها باید به جشنواره فارابی و جشنواره فارابی باید به دانشگاه‌ها کمک کنند. باید یک چرخه سازنده بین آنها وجود آید تا به دور باطل گرفتار نشوند. این دور می‌تواند دور تصاعدی و فزاینده باشد. از طرفی، جشنواره فارابی می‌تواند با حمایتی که از فعالیت‌های درخشان دانشگاه‌ها می‌کند، به دانشگاه کمک کند که همکاران دانشگاهی ما نشاط بیشتری پیدا کنند و بیشتر معطوف به تولید علم شوند. دانشگاه‌ها هم می‌توانند از طریق آزمایش رشته‌ها و اقبال به رشته‌هایی که ما امروز نیاز مبرم به آنها داریم جشنواره را حمایت کنند. حقیقتاً علوم انسانی نباید درجا بزند. اگر علوم انسانی درجا بزند با صدها جشنواره هم به جایی نمی‌رسیم اما اگر آمایش جدی رشته‌ها انجام شود و تحولی رخ دهد و موازی کاری از بین برود، بهینه‌تر پیش می‌رویم. وارد شدن به حوزه‌های جدید و مورد نیاز جامعه، دانشگاه را رونق می‌دهد و قاعدتاً حمایتی از جشنواره فارابی است. جشنواره فارابی به آورده‌های دانشگاه نظر می‌کند. آورده دانشگاه با قلمروهای جدیدی که پیش روی استادان و دانشجویان دکتری می‌گذارد، می‌تواند محصولات پربار و رقابت‌های جدی علمی را در پی داشته باشد اما متأسفانه گاهی افراط یا تفریط می‌کنیم. می‌بینیم کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه ما بشدت در میراث منطقی و فلسفی و کلامی تمدن اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کنند. من هم معتقدم باید منابع میراث غربی را ترجمه کرد. من در ترجمه منابع غربی، اشکالی نمی‌بینم و باید از علم روز آنان شناخت داشته باشیم و با آنان وارد گفت‌وگوی علمی و البته گفت‌وگوی انتقادی شویم. اما اینکه میراث خودمان را هیچ بدانیم و هر چه را که به زبان دیگران آمد را اهمیت دهیم، رفتار علمی پسندیده‌ای نیست.



جشنواره فارابی  
به لحاظ ساختار،  
هسته‌ها و گروه‌های  
تأسیس شده  
در این جشنواره  
و بهره‌گیری از  
اعضای هیأت  
علمی دانشگاه‌های  
کشور، مقبولیت  
و انگاره مثبتی  
در میان نخبگان  
و اندیشمندان  
کشور دارد؛ چرا که  
بدنه دانشگاه‌ها  
در پیشبرد این  
جشنواره دخالت  
دارند. اعتمادی  
که دانشگاهیان به  
جشنواره فارابی  
دارند، ظرفیت  
مهمی را برای این  
جشنواره ایجاد کرده  
است

بداند، به نظرم نمی‌توان چنین آزاداندیشی را دارای ارزش علمی، اخلاقی و فضیلت دانست. اما اگر آزاداندیشی را به درستی معنا کنیم «جشنواره فارابی» به دلیل جایگاهی که دارد می‌تواند به این آزاداندیشی توجه کند و آن را ارتقا دهد و این امر به سیاستگذاری‌های جشنواره، شاخص‌ها و شیوه‌های آن بستگی دارد.

آزاداندیشی نباید به این معنی باشد که هر کس هر چیزی می‌خواهد بگوید. پژوهش‌های انجام شده در کشور با تعهد ملی ما ارتباط دارد. پژوهش‌ها باید به پیشرفت ملی، سرآمدی، تعالی و رفاه عمومی مردم و به عناصر هویتی و تمدنی ما کمک کند. اگر کسی آزاداندیشی را به معنی رهایی از عناصر هویت ملی و تعهدی



بهرش